



دانشگاه سمنان

مجموعه مقالات
نخستین همایش ملی
پژوهشی در گویش سمنانی

نهم دی ماه ۱۳۸۳

به کوشش:

دکتر عصمت اسماعیلی

دکتر مصطفی جباری

این مجموعه با حمایت مالی شورای اسلامی شهر سمنان منتشر شده است.

همایش ملی پژوهشی در گویش سمنانی (نخستین: ۱۳۸۳: سمنان).
مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پژوهشی در گویش سمنانی/
[برگزارکننده] دانشگاه سمنان؛ ویراستاران ، عصمت اسماعیلی،
مصطفی جبّاری؛ مترجم چکیده مقالات به انگلیسی هادی فرجامی؛
با حمایت مالی شورای اسلامی شهر سمنان. - - سمنان: بوستان اندیشه،
۱۳۸۴. ۴۷۶، ۱۸. جدول.

ISBN: 964-94803-7-4

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه.

۱. سمنانی - - کنگره ها. الف. جبّاری، مصطفی، ویراستار.
ب. اسماعیلی، عصمت، ویراستار. ج. فرجامی، هادی، ۱۳۴۴،
مترجم. د. دانشگاه سمنان. ه. شورای اسلامی شهر سمنان. و. عنوان

۴۱۶۹

PIR ۳۲۷۹ / س ۷۱-۸۸

۱۳۸۴

۸۴-۹۳۱۵م

کتابخانه ملی ایران

نام کتاب: مجموعه مقالات نخستین همایش ملی «پژوهشی در گویش سمنانی»
برگزارکننده: دانشگاه سمنان

ویراستاران: دکتر عصمت اسماعیلی و دکتر مصطفی جبّاری

مترجم چکیده مقالات به انگلیسی: دکتر هادی فرجامی

ناشر: بوستان اندیشه، سمنان، ۰۹۱۲۲۳۱۶۲۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۴

کارشناس و ناظر فنی و صفحه آرایی: علی برهانی

قیمت: ۳۹۰۰۰ ریال

نشانی: سمنان. دانشگاه سمنان. ص.پ: ۳۶۳-۳۵۱۹۵ تلفن: ۲-۲۳۲۱۰۰۰ و تلفاکس: ۳۳۲۱۰۰۰

با همکاری دفتر مجله علمی - ترویجی دانشکده علوم انسانی

کلیه حقوق این اثر برای دانشگاه سمنان محفوظ است.

سخن آغازین

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

بدون شک داشتن سهم در کاروان عظیم فرهنگ و تمدن بشری اقتضای بزرگی برای یک ملت است، هر چند که تعداد جوامعی که پایه‌های اولیه تمدن بشری بر دوش آن‌ها بنا نهاده شده و یا نقش پیشتان را در پیش‌برد علمی و فرهنگی امروز جامعه انسانی دارند، بس اندک است. در این میان اگر نقش ما به عنوان ملت کهن‌سال ایران در پیشرفت اعجاب‌انگیز امروزی علم و فن‌آوری چندان محسوس نیست، بدون تردید نمی‌توان سهم ما را در پایه‌گذاری اولین سنگ بناهای تمدن بشری نادیده گرفت. برای شناخت این نقش، شناسایی عوامل اصلی تمدن و فرهنگ ایرانی از جمله زبان و خط که حامل‌های اصلی انتقال تجربیات بشری هستند، بسیار پراهمیت است. زبان فارسی و گویش‌های محلی ایران که قدمتی چند هزارساله دارند، میراث گرانبه‌ای قوم آریایی است که با هم‌ت و فداکاری نیاکان‌مان با کم‌ترین صدمه از دست‌برد حوادث به ما رسیده است. در هیاهوی جهانی‌شدن امروز و گسترش روزافزون فرهنگ و تمدن فراگیر که تمامی مظاهر تمدن‌های محلی و از جمله زبان را در معرض تهدید قرار داده است، شاید برای حفظ این میراث گران‌قدر نتوان تلاش چندان پرثمری نمود، اما همین فرهنگ به ظاهر ویران‌گر، ابزار بسیاری برای حفظ و انتقال این نشانه اصلی هویت، در اختیار قرار می‌دهد و بر ماست که اگر توان مقابله با این سیل بنیان‌افکن را نداریم، از امکانات فراهم شده برای ثبت و حفظ آن‌چه برای ما برجا مانده است و انتقال آن به نسل‌های آینده بهره‌بریم که درنگ هر چند کوتاه، قابل‌جبران نبوده سرزنش آیندگان را برای ما به همراه خواهد داشت.

گویش‌های بومی منطقه کومش که با تسامح می‌توان آن را استان بسمان امروزی دانست، جایگاهی خاص در زبان‌های کهن ایرانی دارد با توجه به تعداد بسیار محدود گویشوران زبان‌های محلی این منطقه، اقدام به شناساندن و ثبت

مؤلفه‌های اصلی این گویش‌ها برای تمامی علاقه‌مندان به این مرز و بوم و به ویژه فرهیختگان این خطه از ایران عزیز ضروری و بلکه یک وظیفه ملی است. در این راستا و بر اساس مسئولیت خطیر دانشگاه سمنان در ارتباط با فرهنگ بومی، به عنوان گامی کوچک اما با عزمی استوار، معاونت پژوهشی دانشگاه با همکاری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه در دی‌ماه سال ۱۳۸۳ اقدام به برگزاری نخستین «همایش ملی پژوهشی در گویش سمنانی» نمود.

آنچه پیش رو دارید، مجموعه‌ای از فعالیت‌های انجام شده در این همایش در قالب سخنرانی‌های انجام شده و سایر مستندات مرتبط با موضوع همایش است که با پای‌مردی همکاران ما در دانشکده علوم انسانی سرکار خانم دکتر عصمت اسماعیلی و جناب آقای دکتر مصطفی جباری به نحو شایسته‌ای گردآوری و تنظیم شده است که بدین وسیله سپاس خود را اعلام می‌دارم. و نیز وظیفه می‌دانم که از حمایت‌های مالی شورای اسلامی شهر سمنان که از آغاز همایش تا چاپ این مجموعه ما را همراهی کردند و گروهی از گویشوران فرهیخته و سمنانی‌دوست که در قالب مجمع امور صنفی - توزیعی و خدماتی شهرستان سمنان از برگزاری همایش با حمایت مالی خود استقبال کردند، سپاس‌گزاری و قدردانی کنم و امیدوارم همچنان این گام‌های کوچک فرهنگی که در قالب مرکز تازه تأسیس «گروه پژوهشی بررسی گویش سمنانی» ادامه خواهد یافت، از همکاری و همگامی این عزیزان برخوردار باشیم. باشد که اگر چه کاری در خور، در ادای دین به این فرهنگ سترگ نکرده‌ایم، گامی کوچک در حد بضاعت خویش برداشته باشیم که گفته‌اند طولانی‌ترین راه‌ها نیز با اولین گام آغاز می‌شود. تا که قبول افتد و چه نظر آید.

خشایار یغمایی

معاون پژوهشی دانشگاه سمنان

پیش‌گفتار

آن‌چه در این چند برگ فراهم آمده گردآمده تلاش گروهی است که نخست به زبان پارسی و پس از آن به گویش‌های کهن ایرانی و از آن میان به گویش کهن سمنانی دل‌بسته‌اند. هر کدام از ایشان، کوشیده‌اند تا گوشه‌ای از این گویش را باز شناسند و باز شناسانند؛ بدان امید که شراره نیمه جان این کهن سالِ دیرزی را جانی تازه بخشند، گنجینه‌اش را باز سازند تا بی‌گمان بتوانند از آن گنجینه؛ ارمغانی برای پارسی امروز بیاورند و بر توان این زبان بیفزایند و بازوانش را نیرو بخشند.

گویشوران و ناگویشورانی در این همایش، گرد هم آمدند و هر یک از نگاه و توان خویش به این گویش نگریستند و کوشیدند تا با سخن و نوشته یا سروده؛ توان این گویش را باز شناسند و گستره واژگانی آن را نشان دهند.

پیوندِ راست و درست میان این گویش با پارسی کهن و اوستایی و... از برجسته‌ترین نمادهایی بود که از سخنان، نوشته‌ها و سروده‌ها برمی‌آمد.

ناگویشورانی آشنا به زبان‌های باستانی، سخن گفتند. شماری از گویشوران نیز هر یک به اندازه توان خود گوشه‌ای از توان آشکار و نهفته

این گویش باز نمایانند. گویشوری فرهنگ‌دوست و کهن‌سال پیشنهاد دبیرخانه همایش را پذیرفت و برخی از سخنان آغازین خداوند را به سروده‌ای زیبا سرود، و خدایش پاداش نیک دهد که چه نیک سروده‌ای است. امید که روزی، راز نیم‌شب‌ی دل بندگان با پروردگار را نیز بسراید. بسی شایسته است که وی یا کسانی دیگر این آغاز نیک را به فرجامی نیک برسانند. در این میان تنی چند، در پی شناساندن «آسیب‌هایی» بودند که بر تن گویش افتاده و سرافسردن و از میان برداشتن آن را دارد. از ستیزه‌های فرهنگی و پدیده‌های نوپدای زندگی که واژه‌ها و ساخت‌های ویژه خود را دارند، از بیگانگانی که گویشور دیگر گویش‌هایند و برگستره زبانی این گویش درآمده‌اند و خواسته یا ناخواسته با خود، واژه‌ها و ساخت‌های دستوری آورده‌اند؛ با نام «آسیب‌ها» یاد کرده‌اند. در کنار آن آسیب‌ها که شاید همگی بیرونی‌اند از «ناسره‌سرایی» نیز که «آسیبی درونی» است سخن رفت.

اینک پیرامون گردآوری آن‌چه در این نوشته، آماده شده است به کوتاهی باید سخنانی بگویم:

۱- اندکی نگرانی که ناچار، با چنین همایش‌هایی همراه است؛ نخستین بودن همایش، ناآشنایی و کم‌آشنایی شماری از دست‌اندرکاران و گردانندگان، شتاب در فرستادن برخی نوشته‌ها و در دسترس نبودن شماری از نویسندگان؛ کم‌آشنایی برخی از نویسندگان در نوشتن و بازپردازی نوشته‌هایی در خور چنین نشست؛ هر یک پیامدهای ویژه خود را داشت. با این‌همه می‌توان گفت آن‌چه گرد آمده است؛ فراهم شده‌ای در خور و پرهوده است و برای آغاز کاری که تا انجام نیک آن راهی دراز در پیش داریم بن‌مایه‌ای استوار و شایسته و دست‌مایه‌ای سزاوار برآمدن و بالیدن.

آرزومندیم که فرهیختگانی دل‌بسته، از امروزیان و آیندگان، پای فرا پیش نهند و یاوری کنند.

۲- شتاب برای چاپ سخنان و نوشته‌ها و سروده‌های همایش، دشواری کار را دوچندان کرد. بازخوانی و گاه بازنویسی برخی دست‌نوشته‌ها، درست کردن نادرستی‌های چاپی و کارهایی از این دست چیزی نیست که بر اندیشمندان و دست‌اندرکاران چنین کارهایی پوشیده بماند.

۳- نوشتن پانوشت‌ها بر شماری از نوشته‌ها که گاه می‌توانست بسیار سودمند افتد، و هم از این روی نوشتن آن‌ها گریزناپذیر بود؛ کار را از این که به خوبی و تندی پیش رود باز می‌داشت.

این پانوشت‌ها که گاه بر نوشته‌های گویشوران هم دیده می‌شود؛ می‌تواند برای دو گروه گویشوران و ناگویشوران سودمند باشد، دست کم می‌تواند اندیشه‌ها را بخلد و برانگیزد تا داوری کنند که کدام نگاه درست است. در نوشتن پانوشت‌ها، کوشش شده است تا برخی از گفتنی‌ها گفته شود و نه همه آن‌چه در خور گفتن است. از درازنویسی، که برای گویشوران و ناگویشوران خستگی‌آور است پرهیز شده است.

اگر کاری را که آغاز کرده‌ایم همچنان بپاید، پیرامون این گویش، گفتنی‌های بسیار می‌توان گفت: بازنویسی دستور گویش، دسته‌بندی و گردآوری واژگان، شیوه نگارش و نیز آوانویسی، گردآوری سخنان پندآموز و کوتاه، پارسی کردن سروده‌ها به گونه‌ای که برابر نهاده‌های گویش و پارسی را، رویاروی هم بتوان دریافت: کاری که برای همه آنان که از دور یا نزدیک دستی بر آتش گویش دارند، و هم در راستای بازشناسی واژه‌های کهن؛ بسی سودمند خواهد بود.

۴- آنان که با گویشی آشنایی دارند دشواری نگارش و ویرایش گویش‌نویسی را به‌خوبی می‌دانند. در شیوهٔ آوانویسی این گویش هر یک از گویش‌نویسان شیوه‌ای پیش گرفته‌اند که با شیوهٔ دیگران چندان دگرگون نمی‌نماید؛ با این همه به درستی می‌توان گفت هیچ‌کدام از این شیوه‌ها توان نمایاندن همهٔ آواهای به کار رفته در گویش را ندارند. هم از این روست که بر آن شدیم تا کسی، سروده‌ها و شماری از واژه‌ها را بخواند و بگوید (در لوح فشردهٔ همایش)، تا دوستان؛ این گویش‌ها و آواها را بشنوند. چنین می‌نماید که شیوهٔ درست آوانگاری آن است که گروهی از گویشوران و گروهی از آواشناسان و زبان‌شناسان گرد هم آیند و آواهای این گویش را دانش‌مندان فراهم آورند.

در بازخوانی این گردآمده، چون از یک سو با دشواری آوانگاری و از سوی دیگر با دیگرگونی آوانوشت‌های خود گویشوران، رویاروی بودیم، بر آن شدیم تا در آوانگاری؛ اندکی ساده‌انگاری کرده، آوانگاری هر سراینده یا نویسنده‌ای را آن‌گونه که خود برگزیده است نگاه داریم.

از آوانگاری که بگذریم، جداولی و نزدیک‌نویسی واژه‌های گویشی نیز دشواری‌آفرین بود؛ واژگان دوبخشی و چندبخشی که بخشی از آن‌ها پیشوند است و بخشی پسوند؛ چه‌گونه باید نوشته شوند، نرینه یا مادینه بودن نامی یا واژه‌ای چه‌گونه باید نمایانده شود. نمونه‌های نادرست چاپی فراوانی در نوشته‌های جواهری و پناهی سمناقی می‌توان نشان داد که کار بازسازی آواها را بر «گویشوران سال‌های آینده» (که به درستی باید آنان را «نیمه گویشور» نامید) و نه «نسل آینده»، دشوار و بر ناگویشوران بسیار دشوار خواهد کرد.

برای نمونه نگاه کنید به برگ ۸۸ سونا: بی یمه، بییمه (آمدی) و در برگ ۹۰ نگاه کنید به نگارش و دور و نزدیک بودن بخش‌های این واژه‌ها:

«نانا (نعنا)» که نزدیک است و «ما با» (می شد) که دور است و نیز برگ ۹۵ که «کُو کُوله بوکُوات...» بسیار نزدیک و شاید چسبیده به هم نوشته شده است. به ویژه ناگوشوران نمی توانند بدانند که نگارش و نزدیکی یا دوری واژه ها را در «خود سروده»، باید بن و بنیاد آموختن این گویش بدانند یا در «آوانگاری»، که در آن، واژه ها جدای از هم نوشته شده اند. به این نمونه، خوب نگاه کنید:

محمد حسن جواهری در «سونا» - چاپ ۱۳۸۳ - می گوید: «e را چون (ا) بخوانید و در سمنانی: ان en به معنای این».

وی در «سرخه ولین یادیکار» می گوید «ا کوتاه E و بر همین پایه در برگ ۸ و ۹ نوشته خود آورده است:

ماین دمی کو مو مار مو بزند

mayan dami kÖ mÖ mar mÖ bezend
گوشوران می دانند که در گویش سمنانی نخستین آوای واژه «استالی» (استخر) آن گونه گفته نمی شود که در پارسی می گویند: استالین (رهبر گذشته شوروی)، اصفهان، امیل زولا، یا آن گونه که یزدی ها می گویند: اگر. و پناهی سمنانی در برگ شماره هیجده «آداب و رسوم مردم سمنان» نوشته است:

معادل فارسی مثال حروف فارسی نشانه آوانگار

استخر استالی - estâli - ا - e

گوشوران می دانند که این واژه با آوای «زیر» گفته نمی شود آن گونه که در پارسی می گویند: انگار، ای وای، اسکندر. همان گونه که این آوا در «ان» (این)، «بزند» (زایید) به روشنی به گوش نمی رسد آن گونه که در پارسی می گویند: بزَد، بَرقت.

جواهری در برگ ۱۱ سونا می گوید: «i را مانند (ای) در (ایران) بخوانید مانند ای نَفر i.nafer به معنی یک نفر». گوشوران می دانند که هیچ

گوشوری واژه «نفر» را با آن آوا که او آورده است، نمی‌گوید. «ف» در نفر آوایی میان «آ» و «ا» دارد. آنان که از یک عرب زبان شنیده‌اند که چه‌گونه آوای «ت» را در واژه «کتاب» چیزی میان «آ» و «أ» می‌گوید؛ این سخن را نیک درمی‌یابند.

پناهی سمنانی در برگ نوزده همان نوشته، آورده است: چراغ - چلا - Čelâ.

گوشوران سمنانی می‌دانند که آوای «زیر» آن‌گونه که به روشنی بر «چ» نهاده شده، هرگز در گویش پیدا نیست. این آوا، آوایی است نهفته میانه «آ» و «ا».

چون نمونه‌های فراوانی از این آوا نگاشت‌ها یافت می‌شوند که هم پریشانند و هم پریشانی آور، بر آن شدیم که از یک‌دست کردن آوانگاری دست برداشته، و واژگان و آواها را آن‌گونه که در نوشته‌ها و سروده‌ها آمده است، نگاه داریم.

۵- با این گمان که پارسی کردن سروده‌های این گویش؛ به شیوه‌ای که به کار استاد پناهی در «فرهنگ سمنانی» نزدیک است - و از کار جواهری در «سون» دور - که آن را شیوه‌ای درست و آموزنده برای حفظ گویش می‌دانیم؛ و می‌توان گویش آموزی ناآشنکاری داشت؛ بر آن شدیم تا سروده‌ها را به شیوه خود بازنویسی (و نه آوانویسی) و پارسی کنیم. در کار پارسی کردن کوشیده‌ایم تا هر جا کهن واژه‌ای پارسی، برابر نهاده واژه‌ای سمنانی یافتیم، همان را به کار ببریم. برای نمونه واژه‌های لالکا (کفش)، شوی (پیراهن)، پَرزَنه (رک: فرهنگ معین) را برای «لَک»، «شوی»، «پَرزَن» (کفش، پیراهن، اندک) برابر نهاده‌ایم.

۶- اگر این فراهم آمده بتواند شماری هرچند اندک از پژوهشگران را بر سر آن آورد که گامی فرا پیش نهند و کاری دانشمندانه در این گویش

آغاز کنند بی‌گمان کاری سترگ کرده است. نهادهایی که سرِ کارهای فرهنگی دارند و خویش را دانش‌ورز می‌دانند به زودی زود باید به این کار دست یازند؛ پیش از آن‌که این چند تن گویشورِ میان‌سال و کهن‌سال را از دست بدهند و ناگزیر باشند آواها و ساخت‌های نادرست گویش را از نیمه‌گویشورانِ سال‌های آینده بشنوند.

۷- همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد در این نوشته، سر آن نداشته‌ایم تا هر چه گفته و نوشته می‌شود، بی‌کم و کاست درست و همان باشد که گویشوران می‌گویند؛ زیرا چنین نگاهی کار چاپ و پخش این نوشته را بسی به درازا می‌کشید. از این که گاه اندکی آسان گرفته‌ایم و گذشته‌ایم و کارها را به شیوه گزارش نویسندگان نوشته‌ها، رها کرده‌ایم پوزش می‌خواهیم.

۸- در دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، تنی چند سر آن دارند تا «گروه پژوهش در گویش سمنانی»، با ساختاری ویژه و در خور این کار، بنیاد نهند. اگر چنین شود کاری دانش‌ورانه آغاز خواهد شد. بی‌گمان دست‌اندرکاران این گروه چشم به راه کمک‌های بی‌دریغ گویشوران و گویش‌دوستان خواهند بود.

از دیدگاه ویرایش ادبی مجموعه نیز باید یادآوری شود:

- بسیار کوشیده‌ایم تا در شیوه نگارش نوشته‌ها دست نبریم و بر یک‌دست‌سازی آن‌ها - به گونه مجله علمی دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان - پافشاری نکنیم.

- شیوه در پی هم آمدن نوشته‌ها، شیوه الفبایی و نام خانوادگی نویسندگان بوده است مگر ۵ نوشته: نخست برگردان آیاتی از سخن خداوند و دیگر نوشته استاد ارجمند جناب آقای دکتر منوچهر ستوده که پیش‌آهنگی ایشان در پژوهش‌های سمنانی‌شناسی پاس داشته شده است، و سه نوشته پایانی از آن روی که دو نوشته پژوهش‌هایی میدانی‌اند و نوشته

آخر شاید آخرین نوشته شادروان استاد پرویز امامی بود که بخت بازنگری در نوشته نداشت و بنابراین این نوشته بی کم و کاست همان است که به دبیرخانه همایش رسیده بود.

- نام بیش‌تر نوشته‌ها - جز در چند مورد - همان است که نویسندگان ارجمند برگزیده‌اند.

- نوشته‌های آقایان دکتر رواقی، دکتر صادقی و خانم دکتر کلباسی، همان سخنان ایشان است که از نوار به نوشته آمده است.

- از دو تن از استادان و پژوهش‌گران ارجمند بیش از یک نوشته - اما با درون‌مایه‌های دیگرگون - دریافت کردیم، و آن‌ها را در کنار هم آورده‌ایم.

- افزوده ویراستار علمی، در پانوشته‌ها، با نشان (و) نمایانده شده است.

در پایان از جناب آقای مهندس علی برهانی کارشناس محترم دفتر مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان - که در روز همایش و نیز سامان‌دهی مجموعه از آغاز تا انجام یار و یاورمان بودند، سپاس‌گزاریم. از خداوند که زبان در کام آدمی نهاد می‌خواهیم که چراغ روشنایی خویش فرا راهمان دارد و ما را به همان راه رهنمون شود که بدان خرسند است. مصطفی جبّاری - عصمت اسماعیلی

بهار ۱۳۸۴ - دانشگاه سمنان

فهرست مقالات

عنوان	صفحه
ترجمه منظوم آیاتی از قرآن به گویش سمنانی عبدالمحمد خالصی	۱
متن سخنرانی افتتاحیه دبیر همایش دکتر عصمت اسماعیلی	۷
پویایی زبان سمنانی دکتر منوچهر ستوده	۱۵
ترتیب سازگانی پایه در گویش سمنانی دکتر فردوس آفاگل زاده	۱۹
همسانی‌های گویش سمنانی با ترجمه‌های کهن قرآنی (قرآن قدس) سید حبیب‌الله احمدپناه	۳۷
گویش سمنانی؛ درون‌مایه‌ها، تنگناها و غایات محمد احمدپناهی «پناهی سمنانی»	۴۵
برابرهای کنایی در مثل‌ها و اصطلاحات سمنانی محمد احمدپناهی «پناهی سمنانی»	۵۷
واژگان خویشاوند در سمنانی و چند گویش کهن ایرانی محمد احمدپناهی «پناهی سمنانی»	۷۱
مقایسه گویش‌های مرکزی ایران با گویش‌های سمنان دکتر محمود براتی	۸۷

۱۰۱	ریشه یابی چند واژه کهن سمنانی
	پرویز پژوم شریعتی
۱۴۷	ناسره سُرائی
	دکتر مصطفی جبّاری
۱۸۱	جایگاه طنز، هجو و هزل در گویش سمنانی
	محمدحسن جواهری
۱۹۹	گذری بر برخی از ویژگی‌های گویش سمنانی
	دکتر قدرت‌الله خیاطیان
۲۱۷	جغرافیای تاریخی گویش سمنانی
	زهرا رضایی
۲۳۳	گویش سمنانی در خوانش متون کهن
	دکتر علی رواقی
۲۳۹	کتاب‌شناسی گویش سمنانی
	علی‌رضا شاه‌حسینی
۲۴۷	تحلیل و بررسی و مقایسه برخی از ضرب‌المثل‌های سمنانی
	فرهنگ شکوهی
۲۸۱	توانایی و گستره واژگانی گویش سمنانی
	فرهنگ شکوهی
۲۸۹	تاریخچه پژوهش‌های ایرانی و خارجی درباره گویش سمنانی
	دکتر علی‌اشرف صادقی
۲۹۷	ویژگی‌های کهن زبانی در گویش سمنانی
	دکتر ایران کلیاسی
۳۰۳	واژه‌های کهن و گویش‌های معاصر
	دکتر کتایون مزداپور

۳۱۳	 قسمتهایی از دستور زبان گویش سمنانی	رحیم معاریان
۳۲۱	 چند نظم به گویش سمنانی (با اندازه هجایی مختلف)	علی محمد مقدسی
۳۳۹	 چند ضرب المثل سمنانی همراه با چند ضرب المثل غیر سمنانی	ذبیح الله وزیری
۳۶۱	 آسیب شناسی گویش سمنانی	ابراهیم همتی
۳۷۹	 تأثیر گویش سمنانی بر رشد زبان در کودکان	زهرا افتخاری
۳۸۹	 بررسی شاخص های کیفیت گفتار در کودکان	محمد مجید اوریادی زنجانی
۴۰۳	 مشترکات گویش «سمنانی» یا «تاتی بونین زهرا»	پرویز امامی
۴۱۱	 چکیده انگلیسی مقالات	